

نفقه زوجه: دین یا تعهد^۱

حامد خوبیاری^۲

چکیده

بسیاری از فقها نفقه زوجه را از جمله احکام وضعی دانسته و تفاوت آن را با نفقه اقارب، با تقابل مفاهیم دین و تعهد تشریح کرده‌اند. اغلب حقوقدانان نیز این نظر را پذیرفته‌اند. با این حال نگاه دقیق‌تر به آثار فقهی و حتی کتب حقوقی، نشان می‌دهد که فقها و حقوقدانان تنها در دین بودن نفقه گذشته متفق بودند و نظرهای آنها پیرامون نفقه جاری و آینده مختلف است. ایشان نکاح را سبب نفقه به عنوان دین پنداشته و در شرطیت تمکین یا مانعیت نشوز تردید کرده‌اند؛ حال آنکه از نظر نگارنده هرچند نکاح سبب نفقه به عنوان یک تعهد است، اما سبب تبدیل این تعهد به دین، تخلف زوج از پرداخت نفقه و تغییر ماهیت آن به مسئولیت قراردادی است. بر این اساس، زوجه حتی درباره نفقه جاری مالک چیزی در زمه زوج نیست و تعهد زوج بسته به جنس موضوع نفقه تعهد به تملیک یا اباحه تصرف است؛ به این ترتیب مباحثی از قبیل ضمان از نفقه آینده زوجه، انتقال نفقه جاری به نحو کلی در زمه یا ابراء آن، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در آراء قضایی نیز مؤثر باشد؛ چراکه اگر نفقه تعهد قراردادی پنداشته شود و نه دین، در این صورت با اثبات اعسار و قوه قاهره برای عدم امکان پرداخت، نفقه جاری تبدیل به دین نمی‌شود و زوجه می‌تواند از سایر راهکارهای قانونی استفاده کند، و یا حتی دولت تحت شرایطی موظف به پرداخت نفقه او شود.

کلیدواژه‌ها

نفقه، دین، تعهد قراردادی، تعهد به تملیک، اباحه تصرف.

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۴/۱

۲. دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران h.khubyari@gmail.com

مقدمه

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقهٔ زوجه را عبارت از همهٔ نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن دانسته است. تعاریف فقها و حقوقدانان از نفقه، به این تعریف شباهت بسیار دارد. به‌طورکلی می‌توان نفقه را عبارت از چیزی دانست که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد(صفایی؛ امامی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۳). باید توجه داشت که اوصاف مذکور مربوط به مال مورد انفاق است و ارتباطی با نیازمند بودن یا لازم داشتن زوجه ندارد. تعریف و مصادیق و مقدار نفقه، مفهومی فاقد حقیقت شرعیه است؛ از آن رو آن را به فهم عرف ارجاع داده‌اند؛ اما بدیهی است ماهیت نفقه و ارتباط حقوقی زوجه با آن را نمی‌توان احاله به عرف داد. بسیاری از فقها امکان مطالبهٔ نفقه گذشته زوجه را دلیل وضعی بودن حکم آن دانسته‌اند(خوانساری، ۱۴۰۵ هـ ج ۴، ص ۴۸۸). هرچند وضعی بودن حکم نفقه زوجه در تقابل با نفقهٔ اقارب صحیح به نظر می‌رسد، اما برخی از فقها وضعی بودن نفقه را با دین بودن آن یکسان دانسته و زوجه را مالک نفقهٔ جاری در ذمه زوج پنداشته‌اند؛ به عبارت دیگر، در نفقهٔ اقارب، متعلق حکم را فعل منفق یعنی انفاق و در نفقهٔ زوجه متعلق تعهد منفق را اموال او دانسته‌اند(سند بحرانی، ۱۴۲۸ هـ ص ۵۲۳). این رویکرد سبب شده است تا برخی از حقوقدانان نفقه را همچون مهریه کلی، دین و به محض نکاح در ملکیت زوجه بدانند(عبیدی‌پور؛ جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲، ص ۵۱). البته فقها و حقوقدانان به اتفاق، وضعیت زوجه را در اموال پایداری که به عنوان نفقه دریافت می‌کند، تنها اباحه در تصرف می‌دانند(مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ ج ۷، ص ۵۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳)؛ بنابراین ادعای ایشان راجع به دین بودن نفقه را باید متوجه اموال ناپایدار از قبیل خوراک و دارو دانست.

مشهور فقها زمان استقرار دین بر ذمه زوج را ابتدای هر روز می‌دانند(سبزواری، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۳۰۴)؛ گزارهٔ فوق، این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا زوجه در ابتدای هر هفته، ماه یا سال مالک نفقه بر ذمه زوج نشود؟ به علاوه مگر نه آن است که کلی جهت استقرار در ذمه و تبدیل به دین نباید از حیث وصف و مقدار و جنس مجهول باشد؟ این در حالی است که زوج در انتخاب نوع نفقهٔ پرداختی اختیار دارد. از یکسو، اگر نکاح سبب

دین نفقه باشد، برای استقرار آن بر ذمهٔ زوج در ابتدای هر روز نیاز به وجود عنصر دیگری است تا علت ایجاد دین کامل شود؛ اما برخلاف نفقه معوقه که در ادامه تشریح می‌شود، چنین علتی در نفقه جاری وجود ندارد. از سوی دیگر، چنانچه نکاح سبب تعهد نفقه باشد، اعمال حقوقی‌ای که برای انجام آنها وجود دین یا سبب آن ضروری است، موضوعاً منتفی خواهد بود. چالش‌های گفته شده نشان می‌دهد نتایج حاصل از این پژوهش تنها جنبهٔ نظری ندارد و می‌تواند در تقنین و به‌ویژه صدور احکام قضایی دقیق‌تر در دادگاه خانواده کارآمد باشد.

حقوقدانان و فقها به‌رغم تدقیق در مصداق و مقدار، به این جنبه از نفقه نپرداخته یا به شرح کلیاتی از آن اکتفا کرده‌اند. از بین کتاب‌هایی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به جلد هفتم کتاب مبسوط نکاح از آیت‌الله مکارم شیرازی و همینطور کتاب نفقه زوجه در مذاهب خمس، اثر شهره صادقی اشاره کرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ. صادقی، ۱۳۹۰). علاوه بر این کتب، در مقاله «نفقه زوجه و اقارب، تقابل دو مفهوم دین و تعهد» هم به دقت به جنبهٔ وضعی و تکلیفی نفقه زوجه و اقارب پرداخته شده است (رک: عبدی‌پور، جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲)؛ با توجه به اینکه در این مقاله، نفقه جاری زوجه، دین انگاشته شده است، در مقدمه و نتیجه، با پژوهش حاضر اختلاف بسیار دارد.

در این پژوهش، پس از بررسی معانی مصطلحات کاربردی، آرای مختلف فقهی و حقوقی بیان، و ماهیت نفقه زوجه از جهت دین یا تعهد بودن، شناسایی شده است. در بخش دوم نیز فواید عملی برآمده از نتیجهٔ به‌دست‌آمده، تبیین شده است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

الف. نفقه

اهل لغت در معنا و ریشه کلمه نفقه اتفاق نظر ندارند. برخی نفقه را اسم مصدر «نقق» به معنی «فانی و نابود شد» دانسته‌اند (فیومی مقرئ، ۱۴۱۸هـ. ج ۱، ص ۳۱۸). بعضی نفقه را مشتق از مصدر «نفاق» به معنای رواج، زیاد شدن و رونق گرفتن پنداشته‌اند (رازی، ۱۴۲۰هـ. ص ۳۱۶) و برخی از اهل لغت نیز نفقه را آن چیزی دانند که می‌بخشند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ. ص ۱۱۹).

نفقه در معنای اصطلاحی از تعاریف اهل لغت دور نشده است و برای اموالی به کار می‌رود که منفق برای افراد واجب‌النفقه صرف می‌کند/خمینی، ۱۴۲۲هـ ص ۲۸۲). به این ترتیب عنوان نفقه را می‌توان به مواردی اطلاق کرد که از یکسو، مال از مالکیت منفق خارج و نابود شده است و از سوی دیگر موجب رونق حال افراد واجب‌النفقه می‌شود. اسباب نفقه عبارت است از زوجیت، قرابت و مالکیت/مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۱۹).

موضوع بحث حاضر نفقه زوجه است که در حقیقت به نفقه جاری و مجازاً در دو معنای نفقه گذشته و آینده به کار می‌رود. در این نوشتار منظور از لفظ نفقه، نفقه جاری است.

ب. دین

برخی از حقوقدانان دین را جنبه منفی رابطه تعهد قلمداد کرده و از آن به حق شخصی یا ذمی تعبیر کرده‌اند/جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۰۱). بنا بر این دیدگاه، دین نوعی رابطه شخص با شخص دیگر پنداشته شده و همین امر سبب شده است تا بعضی دیگر از حقوقدانان نیز با بیان تقابل مفهومی حق دینی و حق عینی، مفاهیم عین و دین را نیز در برابر یکدیگر قرار دهند/کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵-۱۵۰). در نقد این نظرها باید گفت که دین در حقوق ایران موضوع رابطه حقوقی است و نه خود رابطه؛ چراکه مطابق ماده ۲۹ قانون مدنی، علاقه اشخاص با اموال به حق و ملک منحصر است. فقهای امامیه عین را عبارت از چیزی می‌دانند که اگر در خارج یافت شود، لزوماً جسم خواهد بود(خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۲هـ ج ۲، ص ۱۶). این تعبیر از عین، اعم از عین معین و کلی است. عین اگر در عالم خارج موجود باشد و تنها بر فرد واحد صدق کند، معین و اگر صادق بر افراد عدیده باشد، کلی نامیده می‌شود. مصادیق مال کلی نیز ممکن است به فردی از مجموعه‌ای از اعیان معین منحصر شده باشد که این صورت الزاماً در عالم خارج موجود است یا آنکه به فردی از افراد معین منحصر نشده باشد و چه بسا در عالم خارج نیز وجود نداشته باشد(خوبیاری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۴-۱۱۵). در فرض اخیر، عین کلی برای صدق عنوان مال باید مظروف باشد؛ همانگونه که ظرف عین معین و کلی در معین عالم خارج است. فقها برای حل این معضل ظرف ذمه را اختراع کرده‌اند و اعیان کلی را در آن اعتبار می‌کنند؛ به همین دلیل این اموال، اعیان کلی

در ذمه یا به عبارتی، «دین» و فرد مشغول الذمه «مدیون» نامیده می‌شوند. بنابراین دین قسمی از عین، و مالی اعتباری است که در ذمه مدیون است و موضوع رابطه مالکیت دائن قرار می‌گیرد.

ج. تعهد

برخلاف دین که موضوع رابطه حقوقی شخص با مال است، تعهد در برابر حق قرار می‌گیرد و جنبه منفی رابطه حقوقی دو شخص با یکدیگر است (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ هـ.ج، ص ۳۹). باید توجه داشت که تعهد در دو معنی مصدری و اسم مفعولی به کار می‌رود؛ به این ترتیب در بعضی موارد، از قبیل ماده ۵۶۵ قانون مدنی در معنای «سبب»، و در بعضی موارد، از جمله کاربرد لفظ تعهد در باب سقوط تعهدات، در معنای «مسبب» استفاده می‌شود. موضوع تعهد همواره فعلی از افعال است که ممکن است عملی مادی یا حقوقی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۲۱). در برخی موارد متعلق تعهد به عمل حقوقی مال است، مانند تعهد به تملیک مال، و در برخی موارد متعلق تعهد، عملی از قبیل تعهد به اعطای وکالت است. نکته دیگر درباره تعهد آن است که خود تعهد ممکن است موضوع حکم تکلیفی یا وضعی باشد. توضیح آنکه برخی تعهدات مانند انفاق اقارب تنها جنبه تکلیفی محض دارند و در صورت تخلف، متخلف تنها مستحق عقوبت کیفری است و فرد واجب‌النقعه حقی برای اقامه دعوا و مطالبه آن ندارد (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی). برخی از فقها شروط فعلی را نیز که موضوع آنها انجام عمل مادی است، از این قبیل تعهدات می‌دانستند که تخلف از آنها تنها موجب ایجاد حق فسخ برای مشروط له است (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۳۴). البته این رویکرد امروزه و با توجه به ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی در میان حقوقدانان جایگاهی ندارد.

ماهیت حقوقی نقعه زوجه

فقها و حقوقدانان ماهیت حقوقی نقعه زوجه را از جنبه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از این جنبه‌ها تحلیل نقعه به عنوان موضوع احکام تکلیفی یا احکام وضعی است. همانطور که پیش از این آمد نقعه در اصطلاح عرفی و لغوی اسم آن چیزی است که

انفاق می‌شود. بنابراین مالی از اموال منفق است؛ حال آنکه در احکام تکلیفی، متعلق حکم همواره فعلی از افعال مکلف است(صدر، ۱۴۰۶هـ ج ۱، ص ۵۴). به همین دلیل در نفقه اقارب که حکمی تکلیفی است، متعلق حکم انفاق است. چالش دیگری که موضوع این پژوهش قلمداد می‌شود، ماهیت حکم وضعی نفقه است که در آثار اندیشمندان بین تعهد و دین بودن مرد است.

۱. دین بودن نفقه

در دین بودن نفقه گذشته بین فقها و نیز حقوقدانان اختلافی وجود ندارد. هم‌چنین از نوشته‌های فقها و اغلب حقوقدانان می‌توان برداشت کرد که آنان نفقه آینده زوجه را نیز دین بر ذمه زوج نمی‌دانند؛ چراکه همانطور که خواهد آمد در مورد ضمان از نفقه آینده یا به دلیل عدم وجود دین با آن مخالفت نموده یا با استناد به کفایت سبب دین، ضمان را صحیح دانسته‌اند. درباره نفقه جاری اما اغلب فقها و حقوقدانان، نفقه را دین متعلق به زوجه می‌دانند که در ابتدای هر روز به ذمه زوج تعلق می‌گیرد(کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱هـ ج ۱، ص ۵۱۴؛ سند بحرانی، ۱۴۲۸هـ ص ۵۲۳؛ محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۲۹۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵). انتقادات و اشکالات زیادی را می‌توان بر این نظریه وارد دانست؛ از جمله آنکه اگر زوج در خانه باشد و به هر دلیل در ابتدای روز خوراک شب زوجه را فراهم نکرده باشد، آیا نفقه پیش از فرا رسیدن شب دین می‌شود؟ چنانچه بپذیریم نفقه جاری دین بر ذمه زوج است، چه تفاوتی با نفقه گذشته خواهد داشت؟ مهمتر آنکه کلی برای استقرار در ذمه مدیون باید از حیث جنس و وصف و مقدار مجهول نباشد. فقها یکی از شروط اعتبار دین را رفع اجمال از اوصاف آن دانسته‌اند(خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۲۲). شاید در پاسخ به ماده ۲۷۹ استناد شود. اشاره به این ماده، درباره مقدار نفقه ممکن است صحیح باشد؛ اما درباره وصف و جنس ایراد همچنان باقی است. با توجه به آنچه گفته شد چگونه می‌توان زوجه را مالک چیزی دانست که ثبوتاً و اثباتاً مجهول است؟ شاید با اشاره به معاوضی نبودن نفقه ادعا شود که علم اجمالی به آن مانند عقد ضمان کفایت می‌کند. در جواب باید گفت که در عقد

ضمان دین ثبوتاً مجهول نیست و علم تفصیلی ضامن به آن لزومی ندارد؛ وگرنه برای دین قلمداد شدن نباید مبهم و مجهول باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد، اگر نکاح را سبب و تمکین را شرط ایجاد دین بدانیم، چگونه می‌توان زوجه را در ابتدای هر روز دائن نفقه یومیه دانست؛ در حالی که هنوز علت ایجاد دین کامل نشده است؟ در پاسخ می‌توان گفت تمکین زوجه کاشف از دین بودن نفقه جاری قلمداد می‌شود؛ اما باید توجه داشت این استدلال درباره نحوه ایجاد مالکیت زوجه بر نفقه جاری ارائه شده (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ ج ۷، ص ۵۴) و از این رو نمی‌توان تمکین، به عنوان علت واحد را مصدر دو معلول، یعنی مالکیت آنچه اخذ شده و استقرار آنچه پرداخت نشده بر ذمه زوج پنداشت. توضیح آنکه تمکین زوجه می‌تواند کاشف مالکیت وی بر نفقه باشد و از سوی دیگر نشوز او کاشف از عدم مالکیت وی بر آنچه از اموال مصرف شدنی اخذ کرده است، خواهد بود؛ اما در صورت عدم پرداخت نفقه توسط زوج، نمی‌توان تمکین زوجه را کاشف از دائن بودن او دانست؛ چراکه بین فقها و علماء منطبق معروف است که «الواحد لایصدر الا الواحد». بنابر آنچه گفته شد، علت تبدیل نفقه به دین باید امری غیر از نکاح به عنوان سبب و تمکین به عنوان شرط باشد. از نظر نگارنده نفقه جاری همچون نفقه آینده تعهدی به عهده زوج بوده و سبب این تعهد، عقد نکاح است. نفقه تعهدی ناشی از قرارداد است و با توجه به الزام قانونگذار از نوع تعهد به نتیجه است. از نگاه برخی حقوقدانان مسئولیت متعهد در مواقع تعهد به نتیجه از نوع مسئولیت محض بوده و متعهد تنها با اثبات قوه قاهره (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی) می‌تواند از بار تعهد رهایی یابد (بابدی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۹). مطابق با این مقدمات اگر زوج از تعهد قراردادی خود مبنی بر تادیه و تسلیم نفقه تخلف کند، باید خسارت عدم انجام تعهد را به زوجه بپردازد. باید توجه داشت که برای پرداخت نفقه یومیه به نحو قانونی، موعد مشخص شد و زوج باید روزانه آن را به زوجه تسلیم کند. در صورت تخلف مطابق با ماده ۲۲۶ قانون مدنی، زوج باید از عهده خسارت برآید و این خسارت همان نفقه گذشته است که بر ذمه زوج مستقر می‌شود. همچنین باید دقت کرد که با توجه به ماهیت نفقه یومیه جهت رونق امور روزانه، تعهد به

تادیه و تسلیم از نوع وحدت مطلوب بوده و با انقضای مهلت انجام، تنها راه جبران خسارت زوجه، استقرار دین بر ذمه زوج خواهد بود.

نتیجه حاصل از مطلب فوق آن است که زوج در صورت اعسار و وجود قوه قاهره از پرداخت نفقه یومیه معاف بوده و عدم پرداخت نفقه، موجب تبدیل آن به دین نخواهد شد. هرچند این ادعا در کتب فقهی و حقوقی سابقه ندارد؛ اما از بررسی برخی فتاوی فقها می‌توان چنین برداشت کرد که این نظر به نحو ارتکاز در ذهن ایشان مطرح بوده است؛ سؤال: نفقه زندانی بر عهده چه کسی است؟ بیت‌المال یا خود افراد؟ آیا تمکن مالی و عدم آن، نوع جرم، قدرت و توان بر کار و غیر آن، حدود و تعزیری بودن، فرقی در تأمین نفقه وی دارد یا خیر؟ افراد واجب‌النفقه زندانی چگونه؟

پاسخ: به‌طور کلی در مواردی که زندانی کردن شخص مشروع باشد و خود شخص تمکن تأمین نفقه خود را دارد، وجهی برای پرداخت نفقه او از بیت‌المال مسلمانان نیست. بلی اگر فقیر باشد و زندانی شدن او مانع تهیه معاش خود و عائله‌اش شده، حکم او حکم سایر فقرا است که نفقه او و عائله‌اش از بیت‌المال تأمین می‌شود و خلاصه مقتضای قاعده این است که نفقه هر کس به عهده خودش است، ولی در مورد زندانی باید بین غنی و فقیر تفصیل داد که فقیر به جهت فقر از بیت‌المال تأمین می‌شود (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۵۰).

در فتوای فوق زندانی بودن فرد به مثابه قوه قاهره قلمداد شده است و در صورت فقر او، وی تعهدی به پرداخت نفقه ندارد. مضمون این فتوا با آنچه راجع به تعهد و مسئولیت قراردادی گفته شد همخوانی دارد. به این ترتیب می‌توان گفت که سبب تبدیل نفقه به دین، تخلف منفق از تعهد قراردادی است و نه عقد نکاح. نکته دیگری که ذکر آن در اینجا ضرورت دارد آن است که بین فقهای مذاهب خمس، تملیکی بودن نفقه اموال مصرف‌شدنی بدون مخالف نبوده و برخی به کلی نفقه را امتاعی می‌دانند (به نقل از صادقی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵). برخی از فقهای امامیه یکی از مهمترین ثمرات امتاعی یا تملیکی بودن نفقه را در استقرار دین بر ذمه زوج می‌دانند؛ به این ترتیب که اگر نفقه را امتاعی بدانیم و تنها موجب اباحه تصرف شود، در صورت تخلف زوج از پرداخت، دینی بر ذمه وی بار نخواهد شد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۴۱). این درحالی است که اجماع فقهای امامیه بر امتاعی بودن نفقه خادم و مسکن قرار

گرفته و با این نظر، تخلف زوج از تسلیم مسکن مناسب، همچون نقعه اقارب فاقد ضمانت اجرا خواهد بود. با این حال و با توجه به نظر مختار، تعهد به تامین مسکن و سایر اموال پایدار نیز از تعهدات قراردادی است و هرچند قیمت عین بر ذمه زوج مستقر نمی‌شود؛ اما به میزان متعارف خسارت قابل محاسبه و جبران خواهد بود.

۲. تعهد بودن نقعه

مطابق با این نظریه نقعه جاری زوجه همچون نقعه آینده تعهدی بر عهده زوج است. تعهد مذکور تنها جنبه تکلیفی نداشته و برای زوج موجب حکم وضعی مطالبه و استحقاق است. پیش از این دانسته شد تعهد در بعضی مواقع تنها واجد حکم تکلیفی است که در آن صورت مطالبه تنها از باب امر به معروف و نهی از منکر بوده و نه مطالبه حق/موسوی خمینی، ۱۴۲۲هـ ج ۵، ص ۲۲۶؛ خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۶۷؛ اما در مورد محل بحث، نقعه زوجه واجد حکم وضعی مطالبه است. به همین دلیل است که قانونگذار برای ایفای نقعه اقارب در ماده ۱۲۰۵ استقراض و ایجاد مدیونیت را شرط می‌داند؛ اما برای ایفای نقعه زوجه طی این مقدمات لازم نیست (عبدی‌پور؛ جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). یکی دیگر از نشانه‌های حکم وضعی نقعه، امکان تقاص زوجه از اموال زوج با اذن حاکم است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ ج ۷، ص ۱۱۲). بنابراین تردیدی در وضعی بودن تعهد زوج وجود ندارد؛ البته متعلق این تعهد با توجه به پایدار یا ناپایدار بودن موضوع نقعه متفاوت است. در اموال مصرف شدنی تعهد زوج، تعهد به تملیک و در اموال مصرف نشدنی تعهد به ایجاد اباحه تصرف برای زوج است. ممکن است ایراد شود که اشکال مربوط به مجهول بودن دین در مورد موضوع تعهد نیز وجود دارد. این ایراد هرچند قابل توجه است؛ اما بر خلاف مالکیت مردد و تخییری در فقه و حقوق ایران که مسبوق به سابقه نیست، نمونه‌هایی از تعهد تخییری، هم در احکام تکلیفی و هم وضعی وجود داشته که مهمترین آنها تخییر در تملیک موارد شش گانه دیه به اولیاء دم است (ر.ک مظفری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱-۱۱۹). هرچند در آثار فقها به تعهد بودن نقعه جاری زوج و مالکیت وی بر نقعه با گذشت زمان عرفی برای پرداخت آن، اشاره صریحی نشده است؛

اما دقت در فتوای یکی از فقهای معاصر نشان می‌دهد که تبدیل تعهد به دین به سبب مضمی مدت تعهد به تسلیم و تادیه نفقه توسط زوج در نظر ایشان بوده است:

... پس اگر شوهر زن را با اینکه تمکین نموده از نفقه منع کند و روز بگذرد، در ذمه‌اش مستقر می‌شود و دین بر او می‌گردد. همچنین در استقرار آن با گذشتن چند روز این شرط هست، پس به مقدار تمکین نفقه آن مدت بر ذمه شوهر مستقر می‌شود، چه زن آن را مطالبه کرده باشد یا از آن ساکت باشد... (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۳۸).

توجه به مطالب فوق نشان می‌دهد که تعهد بودن نفقه زوجه با مبانی مربوط به آن در فقه امامیه و حقوق ایران سازگارتر است. نکته دیگری که درباره تعهد زوج وجود داشته و به نوعی در بررسی فایده عملی بحث اهمیت بسیار دارد، مالیت داشتن یا نداشتن تعهد زوج به پرداخت نفقه است. پیرامون مالی بودن یا نبودن تعهدات در میان فقها و حقوقدانان همواره اختلاف نظر وجود داشته که البته مرور و تحلیل این آراء از حوصله بحث خارج است (ر.ک خویی، محمد تقی، ۱۴۱۴هـ ج ۱، ص ۱۹۴؛ عبیدی پور، ثقفی، ۱۳۸۷، ص ۸۲). در اینجا باید بین تعهد به تملیک و تعهد به اباحه تصرف قائل به تمایز شد. مورد تعهد همواره فعل متعهد است. این فعل در برخی مواقع عمل مادی و در بعضی اوقات عمل حقوقی است. ایجاد اباحه تصرف و تملیک به دلیل ایجاد آثار وضعی و نیاز به اراده انشایی از جمله اعمال حقوقی هستند. در تعهد به تملیک برخی از فقها ایراد کرده‌اند که مورد تعهد، یعنی عمل تملیک، فاقد ارزش مالی بوده و از این رو مالیت نداشته و نمی‌تواند در عقود معوض به عنوان عوض جعل شود (نائینی، ۱۴۱۸هـ ج ۱، ص ۱۷۱). این ایراد به طریق اولی درباره تعهد به اباحه تصرف نیز وجود دارد؛ چراکه ایجاد اباحه و رفع ضمان در مراتب سلطه و نتیجتاً منفعت عقلایی از مالکیت پایین‌تر هستند. در پاسخ اغلب فقها و حقوقدانان متعهدله تملیک را دارای حقی در اموال متعهد می‌دانند که این حق با توجه به متعلق خود، مالی محسوب می‌شود (روحانی، ۱۴۱۸هـ ج ۳، ص ۱۳۲؛ نعمت‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶). شاهد این ادعا عدم نفوذ معامله متعهد بر مالی است که موضوع تعهد به تملیک واقع شده؛ در حالی که اگر متعهدله حقی بر مال نداشت، معامله متعهد نافذ تلقی می‌شد (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۵). به‌رغم آنچه گفته شد درباره تعهد به اباحه تصرف به نظر می‌رسد که برای زوجه حقی در اموال زوج ایجاد نخواهد شد. به

همین دلیل است که زوج پس از تسلیم مال پایدار به زوجه از قبیل خانه و وسایل آن، می‌تواند آنها را مسترد و تبدیل کند/صادقی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹). به علاوه زوج می‌تواند با عاریه کردن چنین اموالی نفقه زوجه را تسلیم کند و بدیهی است زمانی که ممکن است زوج در اموال تسلیمی حقی نداشته باشد، زوجه نیز فاقد آن خواهد بود؛ چراکه گفته‌اند فاقد شیء نمی‌تواند معطی آن باشد. به این ترتیب حق زوج در مطالبه نفقه اموال مصرف نشدنی، مالیت نداشته و با توجه به حکم اباحه در تصرف قائم به شخص است.

۲. فایده عملی بحث

شناسایی ماهیت نفقه جاری زوجه به نحو تعهد، آثار عملی بسیاری دارد. برای مثال اگر تسلیم و تادیه نفقه زوجه را تعهد قراردادی زوج بدانیم، تخلف از این تعهد تابع مقررات راجع به مسئولیت قراردادی بوده و به این ترتیب عهده زوج با اثبات قوه قاهره بری خواهد شد. در آثار حقوقدانان سه اثر مهم بر شناسایی ماهیت نفقه و نقش نکاح در حکم نفقه بار شده که به فراخور موضوع در ابواب ضمان، معاوضه و ابراء از آن‌ها بحث شده است. در ادامه به تطبیق نتایج حاصله با نظرات مشهور فقها و حقوقدانان و بررسی نقاط قوت نظریه مختار می‌پردازیم.

۲. ۱. ضمان از نفقه زوجه و تبدیل متعهد آن

با توجه به دین بودن نفقه گذشته، در امکان ضمانت از آن اختلافی وجود ندارد. درباره نفقه جاری نیز تردید جدی‌ای وارد نکرده‌اند؛ چراکه زوجه را در ابتدای روز مالک نفقه بر ذمه زوج می‌دانند. محل اضطراب آراء فقها و حقوقدانان ضمانت از نفقه آینده زوجه است. برخی با توجه به آنکه در عقد ضمان، وجود سبب دین را کافی دانسته (مفهوم مخالف ماده ۶۹۱) و از سویی نکاح را سبب دین نفقه می‌دانند، ضمانت از نفقه آینده زوجه را صحیح پنداشته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۸۸). در میان فقها اما برخی با امکان ضمانت از نفقه آینده به دلیل بطلان ضمان ما لم یجب مخالفت کرده (طی، ۱۴۱۳هـ ج ۵، ص ۴۶۳)، عده‌ای آن را با تردید صحیح دانسته (سبجانی، ۱۴۲۹هـ ج ۷، ص ۴۶۴) و برخی به

جهت وجود مقتضای دین صحیح قلمداد کرده‌اند/مغنیه، ۱۴۲۱ هـ.ج، ص ۲۹۵. به این ترتیب مهمترین دلیل موافقان صحت ضمان از نفقه آینده زوجه فراهم بودن سبب دین و کفایت آن جهت انعقاد ضمان است. با وجود این مشخص شد که هرچند نکاح سبب نفقه محسوب می‌شود؛ اما سبب دین نفقه تخلف از تعهد قراردادی موجود برای زوج است. در واقع اگر مقتضی را جمع سبب با شرط بدانیم، در بحث حاضر سبب تخلف زوج از تعهد خود و شرط تمکین زوجه است؛ وگرنه چگونه می‌توان سبب خسارات ناشی از عقد را خود عقد دانست؟ درباره نفقه جاری زوجه نیز همین حکم قابل اجراست؛ چراکه نفقه جاری نیز تعهد بوده و تخلف از آن سبب دین نفقه تلقی می‌شود. جهت تقریب ذهن می‌توان عقد عاریه را مثال زد. در عقد عاریه مستعیر متعهد به استرداد عین عاریتی است؛ اما کسی عقد عاریه را سبب دین قلمداد نکرده و به همین دلیل ضمانت از عین مورد عاریه را پیش از تحقق تعدی و تفریط صحیح نمی‌دانند؛ هرچند عقد منعقد مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی و یا ضمان در معنای تکلیفی قابل توجیه است/موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴. باید توجه داشت که در این مثال نیز سبب تحقق دین تخلف مستعیر از تعهد به وسیله (مراقبت) است و در بحث حاضر سبب دین، تخلف منفق از تعهد به نتیجه است. بنابراین نکاح را نمی‌توان سبب دین نفقه تلقی کرد و به همین دلیل باید ضمان از نفقه آینده و جاری زوجه را باطل دانست.

به‌رغم مطالب فوق در بسیاری از فتاوی فقها دیده می‌شود که شخص ثالثی می‌تواند نفقه زوجه را به عهده بگیرد/مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱ و ممکن است از این امر تعبیر به صحت ضمان نفقه آینده شود. در حقوق ایران بسیاری از حقوقدانان تبدیل تعهد از حیث تبدیل متعهد را با عقد ضمان هم معنی دانسته و از این جهت عاریه نهاد تبدیل تعهد از حقوق فرانسه را امری عبث دانسته‌اند/جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۴۵. تعمق در مفاهیم تبدیل تعهد و ضمان عقدی نشان می‌دهد که تبدیل تعهد از طریق تبدیل متعهد اعم از عقد ضمان است؛ چراکه جهت تحقق تعهد لازم نیست همواره دین یا سبب آن موجود باشد(حاجی عزیزی، زنگنه، مؤمنی، ۱۳۹۰، ص ۴۶). یکی از این حالات تعهد به پرداخت نفقه جاری توسط زوج است که در آن نه دین و نه سبب دین ایجاد شده است. با تراضی بین زوجه و ثالث، تعهد به تسلیم و تأدیه نفقه از دوش زوج برداشته شده و مطابق با ماده ۲۹۳ در برابر زوجه متعهد

نخواهد بود. برخی از حقوقدانان در این فرض زوج را در مقررات مدنی بری دانسته؛ ولی در صورت ترک انفاق به دلیل آمره بودن مقررات کیفری زوج را در صورت عدم پرداخت نفقه توسط ثالث و خود او مجرم انگاشته‌اند/زیرک باروقی، حاجی‌پور، ۱۳۹۸، ص ۳۱۰. تفسیر فوق با قواعد حقوقی فاصله بسیار دارد؛ چراکه بدون وجود تعهد به پرداخت نفقه، نمی‌توان زوج را مجرم دانست و بدیهی است جرم ترک انفاق منصرف از مواردی است که متعهد تبدیل یا نفقه توسط زوجه اسقاط شده باشد.

۲.۲. انتقال نفقه توسط زوجه

زوجه پس از دریافت نفقه درباره اموال مصرف‌شدنی، مالک محسوب می‌شود و می‌تواند در آن هر تصرفی از قبیل هبه و معاوضه انجام دهد/روایت شهاب ابن عبدربه به نقل از بحرانی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۱۲۱. هرچند روایت به طور کلی راجع به نفقه زوجه است؛ اما نگاه به عبارات برخی فقها نشان می‌دهد که زوجه را پس از قبض مالک مال پرداخت شده می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۴۲)؛ این در حالی است که همانگونه که قبلاً اشاره شد، ایشان نفقه زوجه را ابتدای هر روز بر ذمه زوج مستقر و به نحو دین، ملک زوجه می‌دانستند. جهت رفع این تعارض باید گفت از نظر این اندیشمند نفقه در ابتدای هر روز به نحو دین در ملک زوجه وارد می‌شود و پس از قبض، به نحو عین معین مملوک زوجه خواهد بود. البته روشن شد که زوجه پیش از قبض تنها متعهدله تعهد قراردادی زوج، جهت پرداخت نفقه بوده و از این بابت مالکیتی نسبت به موضوع تعهد زوج ندارد. به علاوه مشخص شد که رابطه حقوقی زوجه با نفقه جاری حق مطالبه است. به همین دلیل نمی‌تواند نفقه جاری و به طریق اولی نفقه آینده خود را به دیگری تملیک کند. توضیح آنکه در عقود تملیکی تنها شخصی می‌تواند متعامل باشد که مالک شیء بوده یا به سبب قانون و قرارداد حقی در انجام معامله داشته باشد. در فرض حاضر زوجه مالک نفقه نبوده و از آن رو که فاقد چیزی نمی‌تواند آن را به دیگری منتقل کند، تملیک نفقه جاری بلاموضوع و باطل است. با این حال همانطور که پیش از این آمد زوجه در این رابطه متعهدله بوده و می‌تواند حق خود را به دیگری انتقال دهد و به عبارتی متعهدله رابطه را تغییر دهد. البته در اینجا باید

بین اموال پایدار و ناپایدار قائل به تفکیک شد؛ چراکه در اموال پایدار اساساً برای زوجه اباحه تصرف ایجاد می‌شود و در موارد اباحه، مباح‌له حق ایجاد اباحه نسبت به مال برای دیگری را جز با رضایت مالک ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۳).

۲.۳. ابراء و اسقاط نفقه

مهم‌ترین تردیدی که تا کنون در باب ابراء و اسقاط نفقه زوجه مطرح شده، مربوط به زمان ایجاد دین و ایرادات ابراء و اسقاط ما لم يجب است. حکم این موضوع نیز تابع احکامی است که پیش از این گفته شد. آنانکه در ابراء و اسقاط، سبب دین و تعهد را کافی می‌دانند قائل به صحت (حاجیان فروشانی، نقیبه، ۱۳۹۷، ص ۶۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۶۰) و آنانکه برخلاف ضمان، سبب را جهت از بین بردن مسبب کافی نمی‌دانند، به بطلان این اعمال رای داده‌اند (عبیدی پور؛ جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲، ص ۵۴). البته لازم به ذکر است که محل اضطراب آراء اندیشمندان، نفقه جاری و آینده زوجه بوده و در امکان ابراء نفقه گذشته مخالفتی دیده نمی‌شود. تردید دیگری که در امکان اسقاط و ابراء نفقه زوجه مطرح است، ماهیت حقی یا حکمی نفقه است که البته در بین فقهای متأخر حق بودن نفقه و قابلیت اسقاط نفقه مستقبل از شهرت بیشتری برخوردار است (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱، ص ۳۰). آنچه در اینجا مطمح نظر بوده، قابلیت اسقاط یا ابراء از جهت فراهم بودن اسباب حق و دین است و نه ماهیت حقی یا حکمی نفقه زوجه. در اصطلاحات حقوقی اسقاط اعم از اعراض و ابراء بوده و هرچند اعراض به معنی روی گرداندن از ملک (محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۷۰) و ابراء اسقاط دین در ذمه مدیون است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵۸)؛ اما اسقاط اعم از آن دو بوده و شامل از بین بردن حقوق مالی و غیرمالی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ب، ج ۱، ص ۱۲۴).

همانطور که پیش از این گفته شد استدلال قائلان به صحت ابراء نفقه زوجه، وجود سبب دین و کفایت آن جهت انشاء ابراء است. با این حال ثابت شد که نکاح سبب تعهد به پرداخت نفقه است و نه دین. از این رو ابراء نفقه آینده امکان‌پذیر نیست و چنانچه زوجه نفقه خویش را ضمن عقد نکاح ابراء کند، به جهت بلاموضوع بودن، عمل حقوقی انجام شده باطل خواهد بود. در مقابل اما عقد نکاح مقتضی تعهد به پرداخت نفقه است. به همین دلیل زوجه می‌تواند

حق خود را ضمن نکاح اسقاط کند و از آنجا که تعهد به پرداخت نقعه با عقد نکاح ایجاد می‌شود، با ایراد اسقاط ما لم یجب نیز روبرو نخواهد بود. پرسشی که ممکن است در اینجا مطرح شود آن است که آیا اسقاط حق زوجه نسبت به نقعه، تنها موجب از بین رفتن حق مطالبه او شده و دین پس از ایجاد به صورت طبیعی بر ذمه زوج باقی می‌ماند(همان، ص ۱۲۹)؛ به نظر می‌رسد برخلاف نظر بعضی حقوقدانان در فرض حاضر زوجه با اسقاط حق خود، تعهد زوج را از بین برده و از آن رو که تعهد قراردادی معدوم شده، تخلف از آن بی معنا بوده و اسباب ایجاد دین نیز از بین رفته است.

یافته‌های پژوهش

اغلب فقها و حقوقدانان زوجه را در ابتدای هر روز، مالک نقعه جاری خود بر ذمه زوج می‌دانند؛ بنابراین از نگاه ایشان نقعه جاری زوجه، دین است و زوج مدیون خواهد بود. باوجوداین مشخص شد که برای اعتبار دین، باید اوصاف و جنس آن مشخص باشد. درواقع نمی‌توان زوجه را مالک خوراک بر ذمه زوج به نحو مردد بین مصادیق بسیار دانست. از سوی دیگر، دلیلی ندارد ذمه زوج را نسبت به نقعه امروز زوجه مشغول و نسبت به نقعه فردا بری پنداشت. به‌علاوه تغییر تعهد، از عهده به صورت دین بر ذمه، نیازمند دلیل است؛ اما در نظر مشهور دلیلی برای توجیه این تبدیل آورده نشده است. از نظر نگارنده نقعه جاری زوج همچون نقعه آینده تعهد قراردادی است که در صورت نبودن قوه قاهره، تخلف زوج از پرداخت آن و البته تمکین زوجه به صورت دین بر ذمه زوج قرار خواهد گرفت. ثمره عملی آنچه گفته شد، بطلان ضمانت از نقعه جاری زوجه و همینطور بطلان انتقال آن به نحو تملیک توسط زوجه است. البته با تمییز مفاهیم تبدیل متعهد و متعهد له از عقود ضمان و بعضی عقود تملیکی این نتیجه حاصل شد که تعهد به پرداخت نقعه توسط ثالث یا انتقال حق زوجه نسبت به اموال مصرف‌شدنی موضوع نقعه بلا اشکال است. بنابر آنچه گفته شد نظر مشهور مبنی بر سببیت نکاح در ایجاد دین نقعه مخدوش است و نکاح تنها مقتضی تعهد به تسلیم و تأدیه از سوی زوج است؛ به‌همین دلیل، در نقعه جاری و آینده سبب دین مفقود است و ابراء آن بر خلاف اسقاط حق صحیح نخواهد بود.

منابع

- بادینی، حسن (۱۳۸۴). *فلسفه حقوق مدنی*. تهران: سهامی انتشار، چاپ نخست.
- بحرانی، یوسف (بی تا). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بحرالعلوم، محمد (۱۴۰۳هـ). *بلغه الفقیه*. تهران: مکتبه الصادق، چاپ چهارم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸ الف). *حقوق اموال*. تهران: گنج دانش، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۸۶). *حقوق خانواده*. تهران: گنج دانش، چاپ چهارم. _____ (۱۳۸۸ ب).
- دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت*. تهران: گنج دانش، چاپ نخست.
- _____ (۱۳۹۳). *ضمان عقدی*. تهران: گنج دانش، چاپ دوم.
- حاجی عزیزی، بیژن؛ زنگنه، مجتبی؛ مؤمنی، عابدین (۱۳۹۰). جایگاه تبدیل تعهد در فقه امامیه. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۴۴ (۱)، ۳۵-۵۴.
- حاجیان فروشانی، زهره؛ نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۹۷). شرط سقوط نفقه زوجه در ضمن عقد نکاح. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۴ (۵۲)، ۷۲-۴۹.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳هـ). *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- خوانساری، احمد (۱۴۰۵هـ). *جامع المدارک*. قم: نشر اسماعیلیان، چاپ نخست.
- خوبیاری، حامد (۱۳۹۷). بررسی تغایر مفاهیم «عین» و «منفعت» و «نفع» در فقه امامیه و حقوق ایران. *دوفصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق*، ۱۲ (۳۸)، ۱۱۱-۱۳۳.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*. قم: داوری.
- _____ (۱۴۱۲هـ). *مصباح الفقاهه (مکاسب)*. قم: المنتخب، چاپ سوم.
- خویی، محمد تقی (۱۴۱۴هـ). *الشروط و التزامات التبعه فی العقود*. بیروت: دار المورخ العربی.
- رازی، زین‌الدین (۱۴۲۰هـ). *مختار الصحاح* (یوسف الشیخ محمد، محقق). بیروت: مکتبه العصریه، چاپ پنجم.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین (۱۴۱۲هـ). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالشامیه، چاپ نخست.

روحانی، محمد صادق (۱۴۱۸هـ). *منهاج الفقاهه*. قم: مطبعه العلمیه، چاپ چهارم.
 زیرک باروقی، اصغر؛ حاجی پور، مرتضی (۱۳۹۸). *نگرشی بر وضعیت ضمانت نقعه زوجه*.
 پژوهش‌های فقهی، ۱۵(۲)، ۲۹۵-۳۱۶.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۹هـ). *رسائل فقهیه*، ج ۷. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ نخست.
 سبزواری، عبدالاعلی (بی تا). *مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*، ج ۲۵. قم: دارالتفسیر.
 سند بحرانی، محمد (۱۴۲۸هـ). *فقه المصارف و النقود* (مصطفی اسکندری، مقرر). قم: محبین.
 صادقی، شهره (۱۳۹۰). *نقعه زوجه در مذاهب خمسسه*. قم: بوستان کتاب، چاپ نخست.
 صدر، محمد باقر (۱۴۰۶هـ). *دروس فی علم الاصول*، ج ۱، بیروت: دار الکتاب اللبنانی، چاپ دوم.

صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۶). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: نشر دادگستر، چاپ نخست.

عبدی پور، ابراهیم؛ جعفری خسروآبادی، نصرالله (۱۳۹۲). *نقعه زوجه و اقارب، تقابل دو مفهوم «دین و تعهد»*. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۰(۳۹)، ۳۵-۶۱.

عبدی پور، ابراهیم؛ تقفی، علی (۱۳۸۷). *ارش شرط*. فصلنامه حقوق اسلامی، ۵(۱۹)، ۶۳-۸۵.
 فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *جامع المسائل*. قم: امیر، چاپ یازدهم.
 فیومی مقری، احمد بن محمد (۱۴۱۸هـ). *المصباح المنیر* (یوسف الشیخ محمد، محقق).
 بیروت: مکتبه العصریه، چاپ دوم.

کاتوزیان، امیر ناصر (۱۳۸۶). *اموال و مالکیت*. تهران: میزان، چاپ بیستم.

_____ (۱۳۹۰). *ایقاع*. تهران: میزان، چاپ پنجم.

_____ (۱۳۸۵). *حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ

چهارم.

_____ (۱۳۸۹). *عقود معین*. تهران: سهامی انتشار، چاپ ششم.

_____ (۱۳۹۱). *نظریه عمومی تعهدات*. تهران: میزان، چاپ ششم.

کاشف‌الغطاء، علی بن محمدرضا (۱۳۸۱هـ). *النور الساطع فی الفقه النافع*. نجف: مطبعه الآداب.

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۰). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم.
- _____ (۱۳۸۸). *قواعد فقه*. تهران: سمت، چاپ نهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *مجموعه آثار*، ج ۱۹. تهران: صدرا، چاپ نخست.
- مظفری، خدیجه (۱۳۹۴). *تعهد تخیری*. تهران: مجد، چاپ نخست.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱هـ). *الفقه علی المذاهب الخمسه*. بیروت: دارالتیاریت الجدید، چاپ نخست.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *احکام بانوان*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ یازدهم.
- _____ (۱۴۲۴هـ). *کتاب نکاح*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ نخست.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۵). *عقد ضمان*. تهران: مجد، چاپ نخست.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۰هـ). *البیع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۶). *تحریر الوسیله* (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مترجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نخست.
- _____ (۱۴۲۲هـ). *رساله نجاه العباد*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ نخست.
- نائینی، محمد حسین (۱۴۱۸هـ). *منیه الطالب* (موسی نجفی خوانساری، مقرر). قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ نخست.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۳۹۱). *اثر تعهد به تملیک در فقه امامیه و حقوق ایران*. فقه و اصول، ۴۴ (۲)، ۱۸۱-۲۰۰.
- _____ (۱۳۸۸). *ضمانت اجرای شرط فعل حقوقی*. *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۶ (۲۳)، ۳۶-۷.
- _____ (۱۳۹۲). *طلاق بودن مورد معامله از دیدگاه فقهی و حقوقی*. *مجله حقوق خصوصی*، ۱۰ (۲)، ۲۸۳-۳۱۲.